



داستان یک شهر

۴



سال ۷۸ با سریال «داستان یک شهر» اصغر فرهادی به چهره‌های شناخته شده در میان مخاطبان تلویزیونی بدل شد. در کنار علی قربانزاده، آتیه فقیه نصیری، رامبد شکرابی و امیرحسین

صدیق گروهی جوان با روحيات مختلف بودند که تولید برنامه «در شهر» را در دست گرفته و با پرداختن به موضوعاتی با تم اجتماعی، گزارش خبری آنها به داستان‌های تازه پیوند می‌خورد. «در شهر» در سال‌های ابتدایی تأسیس شبکه ۵ سیما که شبکه تهران خوانده می‌شد، جزو برنامه‌های پرطرفدار این شبکه بود. «داستان یک شهر» در ۲۶ قسمت پنجاه دقیقه‌ای، سال ۱۳۷۸ روی آنتن شبکه پنج سیما رفت.

وضعیت سفید

۵



از محبوب‌ترین سریال‌های تلویزیون که در بازپخش‌ها هم طرفدار دارد فرصتی برای تجربه همکاری دوباره با حمید نعمت‌الله بود؛ فیلمسازی که

سلیمانی در باره او گفته عاشقانه سینما را دوست دارد و فیلم‌هایش را عاشقانه می‌سازد. این سریال که برای اولین بار پاییز سال ۹۰ روی آنتن شبکه سه سیما رفت، قصه ۴ برادر و ۲ خواهر را روایت می‌کند که با وجود اختلافات فراوان به دلیل قرار گرفتن در شرایط موشک‌باران ناچار می‌شوند در باغ مادری کنار هم زندگی کنند. بهزاد در کنار بیژن (ابوالفضل پورعرب)، بهرام (اسماعیل سلطانیان) و بهروز (عباس غزالی) یکی از چهار برادر این خانواده بود که در همراهی با همسرش در تلاش برای ترقی بود.

دادستان

۶



از آخرین نقش‌نمایی‌های او که روی آنتن رفت «دادستان» به کارگردانی مسعود دهنمکی است. البته سلیمانی «۸۷ متر» کیانوش عیاری را هم آماده پخش دارد. گفت‌وابی و مبارزه

با مفاسد اقتصادی از محورهای اصلی «دادستان» بود. این سریال بهمن سال ۹۹ از شبکه ۳ سیما روی آنتن رفت. زنده یاد سلیمانی در این سریال نقشی متفاوت در دو فضا را تجربه کرد؛ هم پلیسی امنیتی و هم همراه با خلافکاران به عنوان نیروی نفوذی. صادق مأمور امنیتی است که وارد گروه‌های مخالف می‌شود تا آنها را تخلیه اطلاعاتی کند.

فروش را مبنای اصلی‌شان قرار می‌دهند. اصلاً طرح را کنار می‌گذارند. بارها این سؤال از ما می‌شود که چرا کارهای مذهبی ساخته نمی‌شود؟ واقعاً مسأله مدیران مان نیست و بیشتر کار دینی و مذهبی را در برنامه‌های گفت‌وگو محور می‌بینند. آنها به صندلی مدیریت‌شان تکیه زده‌اند و از خلاقیت و نوآوری فاصله گرفته‌اند و شجاعانه پشت طرح‌های دینی و مذهبی نمی‌ایستند.»

خداحافظی با سردار سلیمانی

علی سلیمانی پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی درباره او گفت: «همیشه پیش‌بینی می‌کردم سردار سلیمانی روزی شهید شود. حدس این شهادت دور از ذهن نبود. در طول مسیری که پیکر شهید سلیمانی تشییع شد، او را مشایعت کردم. این لحظات خداحافظی واقعاً شگفت‌انگیز بود. میلیون‌ها نفر او را بدرقه کردند. شخصیت حاج قاسم سلیمانی شگفت‌انگیز بود. حتماً شبیه به حاج قاسم در کشورمان داریم، اما افرادی مثل او مجبورند که دیده نشوند.»

من حسین چی‌ام

دی ماه امسال و در حالی که ۵ ماه از درگذشت این بازیگر و کارگردان می‌گذشت، کتاب «من حسین چی‌ام» (زندگی، خاطرات و تجربیات مرحوم علی سلیمانی)، به کوشش پژمان عرب و توسط انتشارات «راه یار» چاپ و روانه بازار نشر شد. این کتاب، گزیده‌ای از صدها گفت‌وگو و یادداشت شفاهی این بازیگر است.

علی سلیمانی یکی از قربانیان کرونا بود، دفتر زندگی او ۲۱ مردادماه سالی که گذشت بسته شد، خبر شوکه‌کننده درگذشتش، باورنکردنی و تلخ بود. او رفت، بسیار زودتر از آنچه باید، اما خاطره نقش‌آفرینی‌هایش در یادها خواهد ماند. همچون خودش، صمیمی و خالص. بازیگری که نقش‌های کوتاه و بلند کارنامه‌اش را با عشق جان داد و حضور مقابل دوربین سینما و تلویزیون، او را از عشق اولش تئاتر دور نکرد. یادش گرامی.

که گرفتار اعتیاد شده و از همسر و دخترش دور مانده. در این شخصیت تلخ به آخر خط رسیده، اندکی شیرینی و طنازی وجود دارد که داوود را باورپذیر کرده است. سلیمانی بدون اینکه اغراق کند، نقش معتاد را بازی کرده و جزئیاتی مثل نوع راه رفتن و دیالوگ گفتن را به نقش اضافه کرده تا این تیپ شبیه انواع معتادهای سینما و تلویزیون ایران نشود. او در سریال «پایتخت» (سیروس مقدم) نقش روحانی را بازی کرد. آنجا هم متناسب با فضای مجموعه، این روحانی بذله‌گو و طنان بود. سکانشی که روحانی و ارسطو (احمد مهرانفر) روی موتور تا خانه و محل خواستگاری می‌روند یکی از جذاب‌ترین بخش‌های سریال است. سلیمانی روحانی «پایتخت» را هم مثل دیگر نقش‌هایش شیرین، واقعی و بذله‌گو بازی کرد. رحیم، نقشی که در «بی پولی» (حمید نعمت‌الله) بازی کرد هم، این ویژگی تلخی و شیرینی توأمان را دارد.

علی سلیمانی و خاطره حضور در جبهه

علی سلیمانی سال ۱۳۵۰ در تهران به دنیا آمد، او تجربه حضور در جبهه را به عنوان عضوی از گروه تئاتر و سرود داشت: «سال ۱۳۶۶ هنگامی که دانش آموز بودم، توسط معلم پرورشی شهید ابراهیم مرشدشاد به همراه دوستانم به عنوان گروه تئاتر و سرود به جبهه رفتیم، اما وضعیت خوب نبود و به تهران بازگردانده شدیم. دو هفته گذشت و ما باخبر شدیم ابراهیم مرشدشاد به شهادت رسیده است.»

سلیمانی در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش درباره بی‌توجهی به تولید آثار مذهبی گلایه کرده بود: «من نسبت به کارهای مذهبی و دینی دغدغه داشته و دارم، اما گلایه دارم نه پول می‌دهند و نه اهمیتی قائل‌اند. طرح برده‌ام و مورد قبول واقع نشده، چون لایه‌های خاص خودش را دارد. قصه‌ای امروزی داشته‌ام که در آن به امام صادق (ع) و یا ائمه دیگر هم پرداخته شده، تلویزیونی‌ها طرح را رد می‌کنند، سینمایی‌ها

علی سلیمانی پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی درباره او گفت: همیشه پیش‌بینی می‌کردم سردار سلیمانی روزی شهید شود. حدس این شهادت دور از ذهن نبود. در طول مسیری که پیکر شهید سلیمانی تشییع شد، او را مشایعت کردم. این لحظات خداحافظی واقعاً شگفت‌انگیز بود. میلیون‌ها نفر او را بدرقه کردند. شخصیت حاج قاسم سلیمانی شگفت‌انگیز بود. حتماً شبیه به حاج قاسم در کشورمان داریم، اما افرادی مثل او مجبورند که دیده نشوند